



الله اعلم

الحرمين

الحرمين





# غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان



سلطان جلال الدین خوارزمشاه



سایه یزدان، ملک‌شاه، آفتاب خسروان  
شهریار کامران و پادشاه کامگار



سلطان محمود غزنوی شهنشاه افغان ۳۸۸ هـ - ق

*Sultan Mahmud I Ghaznavide Emperor Afgan (998)*





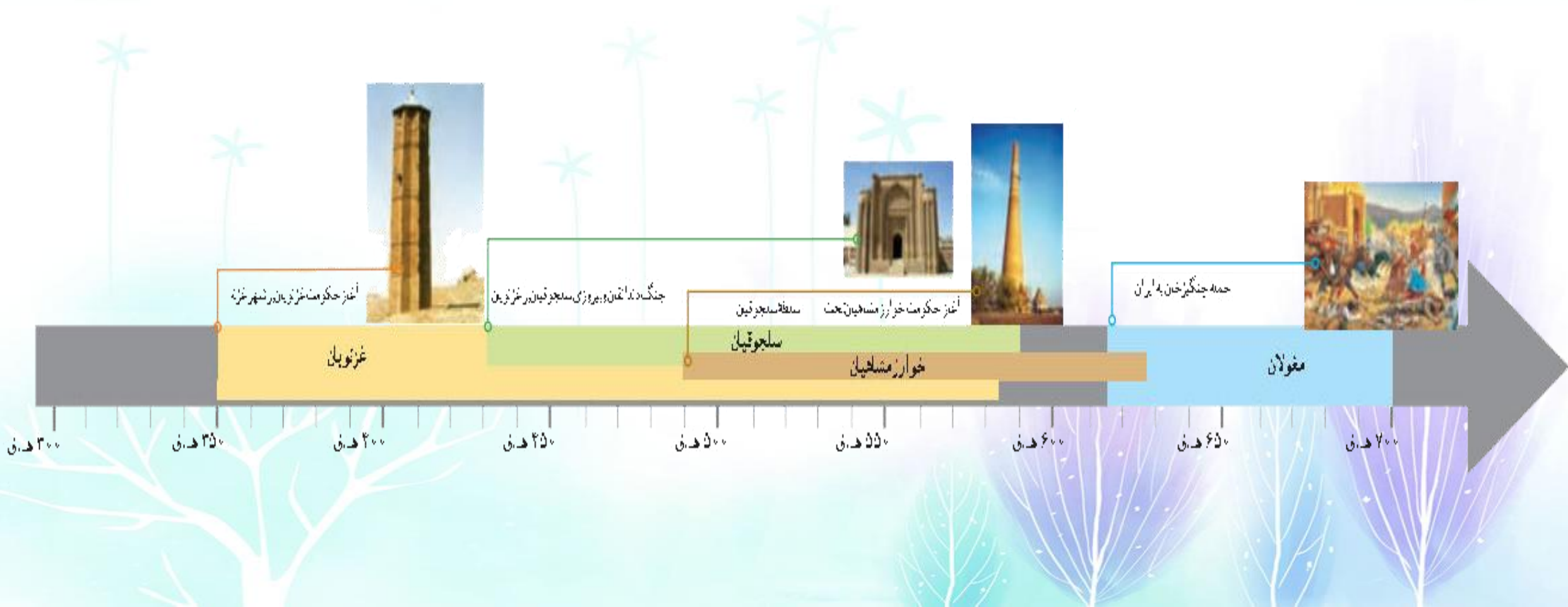
## اهداف درس ۱۳: غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان

از شما دانش آموزان انتظار می رود پس از پایان این درس به سوالات زیر پاسخ دهید.

- ۱- حکومت غزنویان چگونه تاسیس شد و گسترش یافت؟ شرح دهید.
- ۲- اقدامات سلطان محمود غزنوی را نام ببرید.
- ۳- هدف اصلی سلطان محمود غزنوی از حمله به هندوستان چه بود؟ توضیح دهید.
- ۴- پس از سلطان محمود غزنوی چه حوادثی رخ داد؟ شرح دهید.
- ۵- قدرت و حکومت غزنویان بر چه اساسی استوار بود و چه تفاوتی با حکومت صفاریان و سامانیان و آل بویه در این زمینه داشت؟
- ۶- رابطه حکومت غزنویان با خلفای عباسی چگونه بود؟ توضیح دهید.
- ۷- سلجوقیان چه کسانی بودند و چگونه شکل گرفتند؟
- ۸- اقدامات طغرل سلجوقی را نام ببرید.
- ۹- سلطان رکن الدین لقب کدام یک از پادشاهان سلجوقی بود؟ چرا؟
- ۱۰- اقدامات آل برسلان را بنویسید.
- ۱۱- اقدامات ملکشاه پسر آل برسلان را نام ببرید.
- ۱۲- حکومت سلجوقیان چگونه دچار تجزیه و فروپاشی شد؟ شرح دهید.
- ۱۳- خوارزم کجاست؟ توضیح دهید.
- ۱۴- حکومت خوارزمشاهیان چگونه تاسیس شد؟
- ۱۵- چرا پایه‌های حکومت خوارزمشاهیان چندان محکم نبود؟ دلیل بیاورید.



# از اواخر قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم هجری، سه سلسلهٔ ترک تبار در ایران حکومت کردند.







غزنویان دودمانی **ترک تبار** بودند که چون حکومت خود را از **شهر غزنین (غزنه)** آغاز کردند به این نام مشهور شدند.



ضعف سامانیان

تصرف خراسان توسط **محمود غزنوی** که در آن زمان حاکم غزنه بود.

به رسمیت شناخته شدن توسط خلیفه عباسی

گسترش قلمرو غزنویان تا ری در مرکز ایران





تصویر فردوسی در دربار سلطان  
محمود غزنوی که توسط  
سورنیانس نقاشی از کشور  
ارمنستان کشیده شده است



سلطان محمود غزنوی چندین بار به هندوستان لشکرکشی کرد و به همین سبب در تاریخ شهرت یافت.



به بهانه رواج اسلام، ولی در اصل به طمع ثروت هنگفت در این کشور



تصرف مناطقی از هندوستان و تخریب معبد سومنات

او اسیران زیادی را با خود به سرزمین های دیگر برد و ثروت ها و غنائم زیادی به دست آورد که بخشی را به خلیفه عباسی پیشکش کرد.









پرستشگاه سومنات بزرگترین بتخانه هندوستان در شهر سومنات بود. محمود غزنوی از آنجا که می‌دانست بتخانه سومنات گنجینه زر و سیم و جواهرات است برای تملک آن لشگرکشی عظیمی به سومنات کرد و پس از سه روز نبرد، بتخانه را گشود و خود با گریزی که در دست داشت بت اعظم را که از سنگ بود و در حدود ۵ متر طول داشت درهم شکست. و برای اعلام این پیروزی به همگان پاره‌هایی از آن را به غزنه، بغداد و مکه فرستاد و خود در ۱۰ صفر ۴۱۷ ه. ق به پایتخت بازگشت. قیمت این اشیا را که بدست محمود غزنوی غارت شد در آن روزگار ۲۰ میلیون دینار نوشته‌اند. در جنگ سومنات بیش از ۹۰ هزار نفر از هندیان به قتل رسیدند.





# معبد سومنات





پس از سلطان محمود، پسرش سلطان مسعود حکومت را به دست گرفت.

اگر چه، سلطان مسعود فرمانروایی بی باک و جسور بود اما تدبیر پدر را نداشت.

او از سلجوقیان شکست خورد و مدتی بعد توسط سپاهیان شورشی خود به قتل رسید.



قدرت و حکومت غزنویان بر نیروی نظامی استوار بود و آنها از محبوبیت و مقبولیتی که صفاریان و سامانیان و آل بویه در بین مردم داشتند، بی بهره بودند.

رابطه حکومت غزنویان با خلفای عباسی دوستانه بود و سلاطین غزنوی به ویژه سلطان محمود، خود را مطیع و تابع خلافت عباسی می دانستند.





## سلجوقیان

سلجوقیان طایفه ای از ترکان بودند که پس از پذیرش اسلام به ماوراءالنهر مهاجرت کردند

یکی از نوادگان سلجوق (جد سلجوقیان) به نام **طُغرل** پس از شکست سلطان مسعود غزنوی، در نیشابور بر تخت نشست.



## اقدامات طغرل

۱. تسخیر مناطق مختلف ایران

۲. به بغداد رفت و حکومت شیعه مذهب آل بویه را برانداخت.

۳. خطری را که از جانب خلافت فاطمی مصر متوجه خلافت عباسی بود از میان برداشت.

خلیفه عباسی نیز به دلیل این اقدامات طغرل، به او لقب «سلطان رکن الدین» داد و حکومت او را بر ایران و عراق تأیید کرد.



## اوج قدرت

آلب ارسلان، برادرزاده و جانشین طغرل بود.

او توانست با راهنمایی **خواجه نظام الملک وزیر**، رقیبان داخلی را سرکوب کند و بر قدرت و استحکام حکومت سلجوقی بیفزاید.

آلب ارسلان همچنین به ارمنستان و گرجستان لشکرکشی کرد.

او در **نبرد ملازگرد** در سال ۴۶۳ق رومیان را شکست سختی داد و امپراتور روم شرقی را به اسارت گرفت.

در نتیجه این پیروزی، بخشهای وسیعی از آسیای صغیر به تصرف سپاهیان سلجوقی درآمد.



Emir alp arsalan امير آلپ آرسالان

Savaşı seviyorum  
çünkü sonunda zafer var

خجک ما دوست دارم  
زیرا مايمان اش سروزى است



WWW.KH-TURKS.IR





# MANZIKERT



نبرد  
ملازگرد







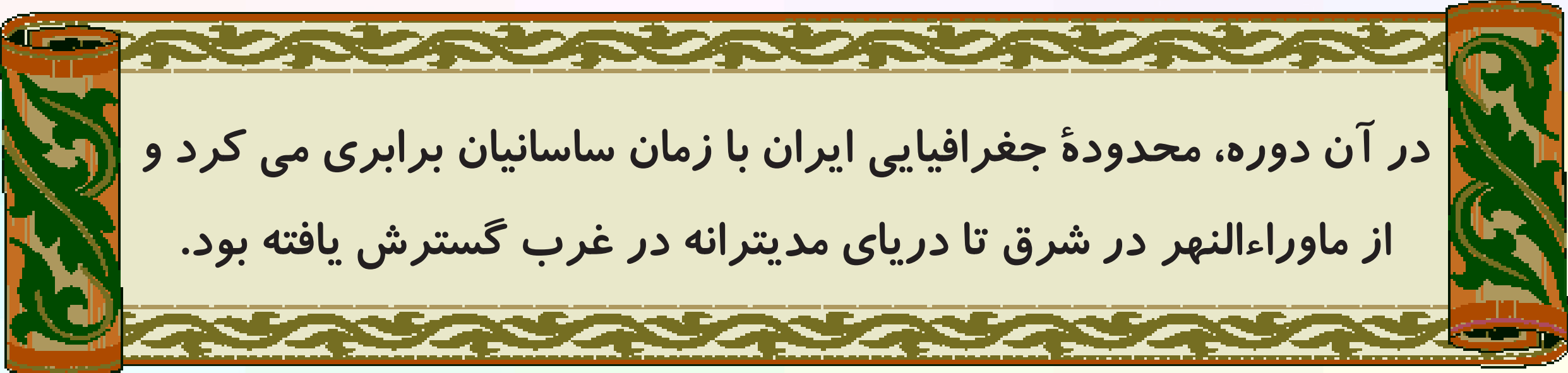
برج سرخ از آثار دوره  
سلجوقیان در شهر  
آلانیا، ترکیه





**ملکشاه**، پسر آلب ارسلان، از دیگر پادشاهان مشهور سلجوقی بود.

وی مناطقی از ماوراءالنهر و شام را فتح کرد و حکومت سلجوقیان در دوره او به **اوج قدرت** رسید.



در آن دوره، محدوده جغرافیایی ایران با زمان ساسانیان برابری می کرد و از ماوراءالنهر در شرق تا دریای مدیترانه در غرب گسترش یافته بود.

در آن زمان **اصفهان** که **پایتخت سلجوقیان** بود به شهری بزرگ و آباد تبدیل شد.





**قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه**



## تجزیه و فروپاشی

پس از مرگ ملکشاه، شاهزادگان و فرماندهان نظامی برای رسیدن به تاج و تخت به جان یکدیگر افتادند و این اختلافات تا سقوط سلجوقیان، ادامه پیدا کرد.





قلعه الموت در بلندی های رشته کوه البرز، در مجاورت روستای گازرخان در استان قزوین قرار دارد.

این قلعه به «دژ حسن صباح» معروف است و از شاهکارهای معماری بوده است زیرا اهمیت نظامی داشته و بناها و دیوار آن طوری ساخته شده که نفوذ به داخل آن بسیار مشکل بود.

در دوره سلجوقیان، مذهب اسماعیلیه در ایران رواج یافت. اسماعیلیان از فرقه های شیعه بودند که بعد از امام جعفر صادق به امامت پسرش اسماعیل اعتقاد داشتند.



در آن دوره اسماعیلیان به رهبری «حسن صباح» در قلعه های کوهستانی مانند قلعه  
آلموت مستقر بودند و با حکومت سلجوقی که آن را حکومتی ظالم می دانستند،  
مبارزه می کردند. سلجوقیان بارها علیه آنها لشکرکشی کردند اما نتوانستند تمامی  
قلعه های آنها را فتح کنند.

این قلعه بعدها در زمان هلاکوخان مغول به آتش کشیده شد.





قلعة الموت

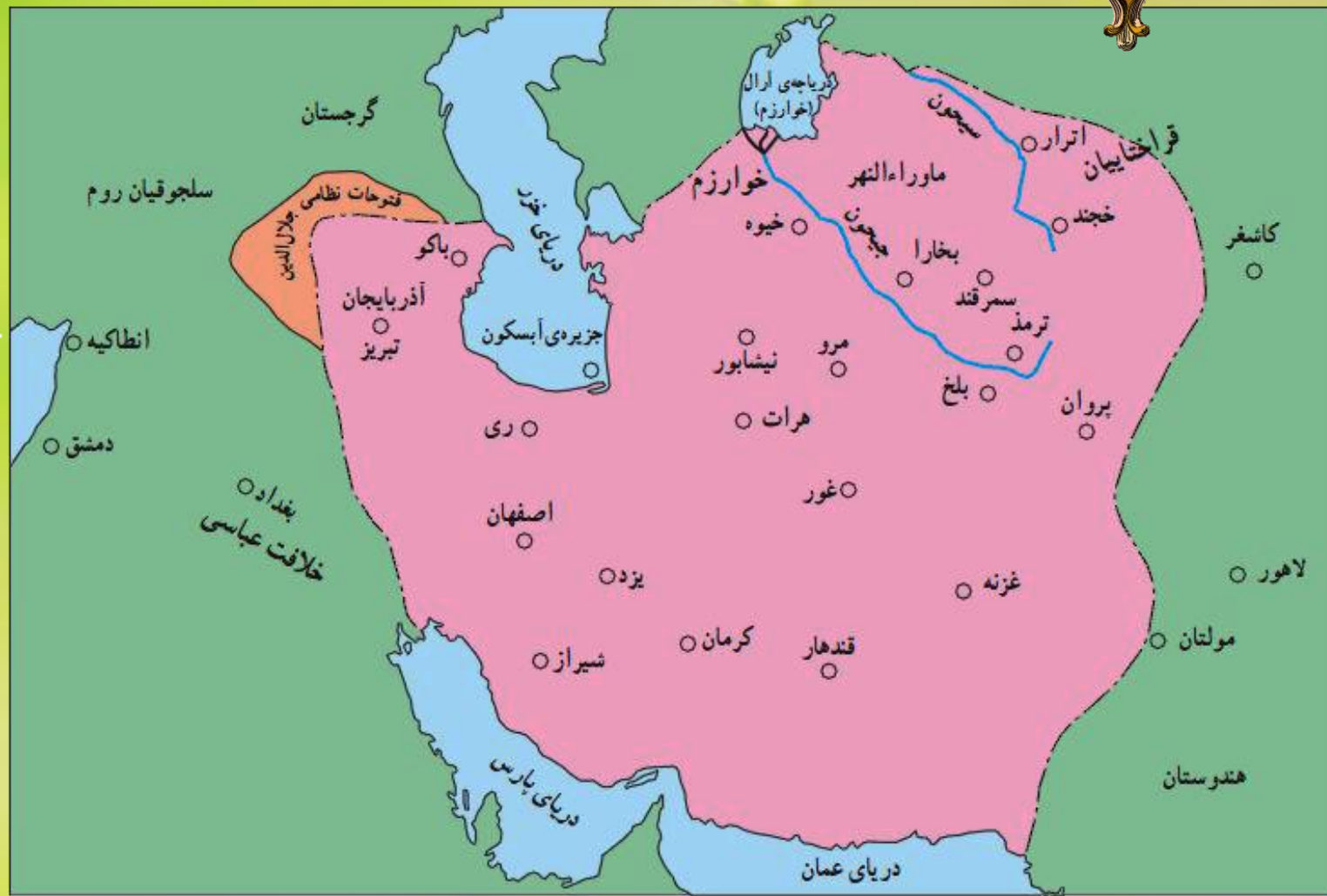




قلعة الموت



## خوارزمشاهیان



خوارزم، ناحیه ای حاصلخیز و آباد  
در جنوب دریاچه خوارزم (آرال)  
بود و از عهد باستان به شاهان  
آنجا، خوارزمشاه می گفتند.



خوارزمشاهیان، نخست دست نشاندهٔ سلجوقیان بودند .

ضعف حکومت سلجوقی



سرپیچی خوارزمشاهیان از فرمانبرداری



شکست آخرین سلطان سلجوقی و چیره شدن بر بخش های زیادی از ایران



پایه های حکومت خوارزمشاهیان چندان محکم نبود زیرا:

✓ از یک سو، خلیفه عباسی فرمانروایی آنها را به رسمیت نمی شناخت.

✓ از سوی دیگر، تسلطی بر فرمانروایان محلی نداشتند.



در چنین شرایطی بود که **چنگیز خان مغول** به ایران هجوم آورد و حکومت خوارزمشاهی نتوانست در برابر حمله آنها ایستادگی کند و روزگار پررنجی برای ایرانیان آغاز گردید.








## اروپا، قرون وسطا و جنگهای صلیبی

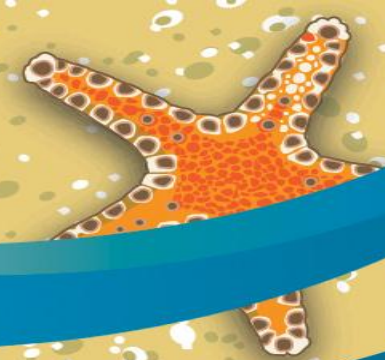
شاید علاقه مند باشید بدانید زمانی که سلسله های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان در ایران حکومت می کردند، چه شرایط و وضعیتی در اروپا وجود داشته است. این دوره از تاریخ ایران، مقارن با «قرون وسطا» در اروپا بوده است.





در سال ششم ابتدایی خواندید در دورانی که مسلمانان در سرزمین های اسلامی به پیشرفت های چشمگیری در علوم و فنون و فرهنگ و هنر دست یافته بودند، اروپاییان در «عصر تاریکی» به سر می بردند. از این دوره در تاریخ اروپا که حدوداً قرن های ششم تا پانزدهم میلادی را شامل می شود، به قرون وسطا یاد می کنند.






در قرون وسطا، بیشتر جمعیت اروپا را روستانشینان تشکیل می دادند و مالکیت زمینهای کشاورزی در دست **زمینداران بزرگ** بود که به آنها **فئودال** می گفتند.

اربابان یا فئودال ها در قلعه ها سکونت داشتند و بر محدودهٔ املاک خود فرمان می راندند. دهقانان باید بر روی زمین کار می کردند و قسمت اعظم دسترنج خود را به اربابان می دادند. در قرون وسطا، شهر و شهرنشینی و تجارت رونق چندانی در اروپا نداشت.





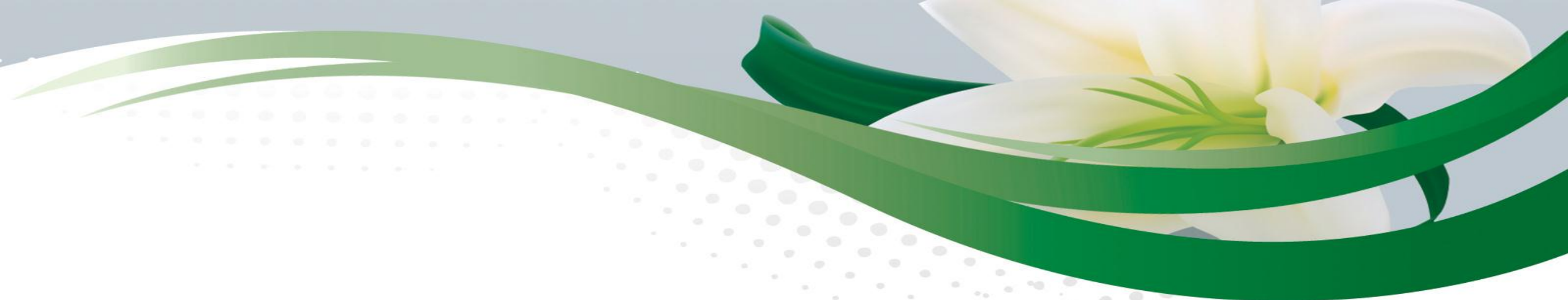
در قرون وسطا کلیسا از نظام فئودالی حمایت می کرد. فئودال ها و پادشاهان نیز تابع کلیسا بودند. به علاوه روحانیون مسیحی به رهبری **پاپ قدرت بسیار** داشتند.





قلعه ای به جامانده از  
فتودال ها، فرانسه





در آن دوران دانشمندان و اندیشمندان نمی توانستند افکار و نظرات علمی خود را آزادانه بیان کنند. برای مثال وقتی گالیله دانشمند ایتالیایی ثابت کرد زمین کروی است و به دور خورشید حرکت می کند، مقام های کلیسا با او مخالفت کرده و گفته های او را نادرست دانستند و او را مجبور کردند توبه کند و ادعای خود را پس بگیرد.




## توبه نامه گالیله:

«در هفتادمین سال زندگی در مقابل شما به زانو درآمده ام و در حالی که کتاب مقدس را پیش چشم دارم و با دستهای خود لمس می کنم، توبه کرده و ادعای خالی از حقیقت حرکت زمین را انکار می کنم و آنرا منفور و مطرود می نمایم»  
سپس پا بر زمین کوبید و گفت "اما تو کار خودت را بکن و بچرخ!"







در این دوره فقر، گرسنگی و قحطی و بیماری های هولناک چون طاعون و جذام نیز رواج داشت. در چنین شرایطی بود که «جنگ های صلیبی» میان مسیحیان و مسلمانان در گرفت. این جنگ ها را اشراف و فئودال ها با حمایت و دستور کلیسا و به بهانه های مذهبی آغاز کردند.



دانستید که با پیروزی در نبرد ملازگرد، مرزهای سلجوقیان به قسطنطنیه (استانبول امروزی) نزدیکتر شده بود. اروپاییان از پیشروی بیشتر ترکان سلجوقی بیمناک شدند. فئودال ها نیز تمایل داشتند با روانه کردن انبوه فقیران و بیکاران به سرزمین های دیگر و غارت اموال آنها، مشکلات اقتصادی قلمرو خود را کاهش بدهند.

**جنگ های صلیبی حدود دویست سال طول کشید.** سپاهیان صلیبی به سرزمین های مسلمانان هجوم می آوردند و آنها را می کشتند و همه چیز را غارت می کردند.

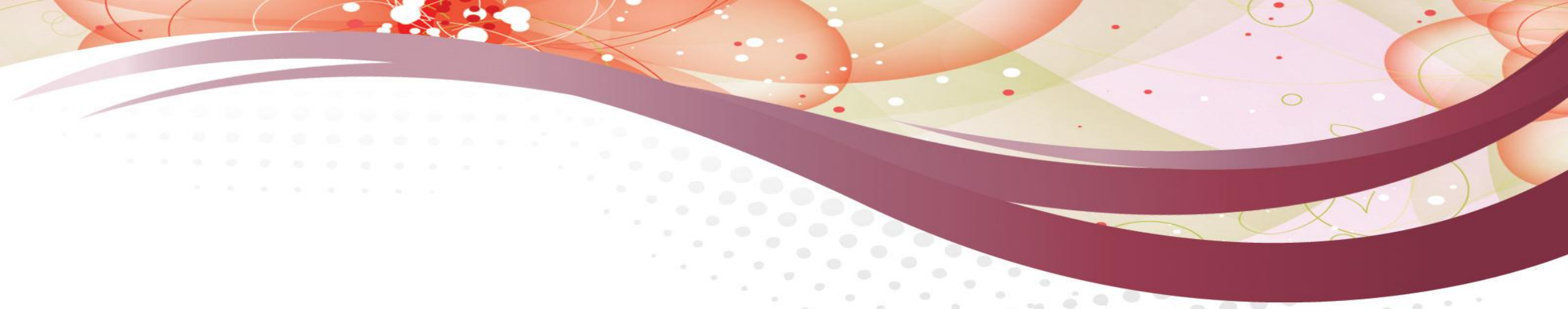












سرانجام جنگ های صلیبی با پیروزی سیاسی و نظامی مسلمانان و شکست اروپاییان به پایان رسید. اگرچه در این جنگها خرابی های زیادی در سرزمین های مسلمانان به وجود آمد اما این جنگ ها موجب شد که اروپاییان با پیشرفت های علمی و تمدنی مسلمانان آشنا بشوند، آثار علمی مسلمانان را به زبان لاتین ترجمه کنند، کتابها و دانش مسلمانان را به اروپا منتقل نمایند و از آنها برای پیشرفت خود بهره فراوان بگیرند

## برخی شکنجه های مرسوم در قرون وسطا

### گاو برنجی

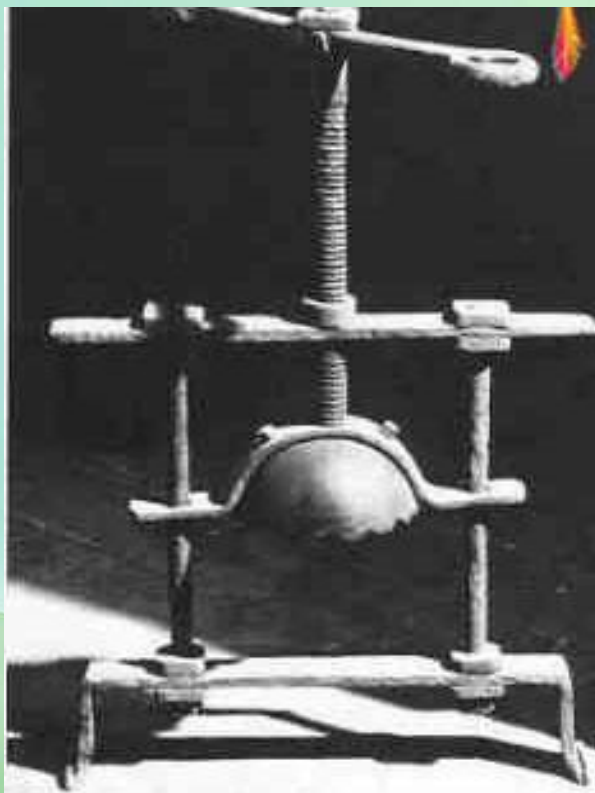
قربانی را درون گاوی برنجی قرار داده و می بستند؛ سپس آتشی زیر آن روشن می کردند. آنقدر این ظرف فلزی را گرم می کردند تا به رنگ زرد گرم در آید. این امر باعث می شد تا قربانی پخته و جان خود را از دست دهد.





## له کننده سر

این وسیله، به طور گسترده در دوران قرون وسطی مورد استفاده قرار گرفته است، بخصوص در دوران تفتیش عقاید. چانه را بر روی نوار پایینی و سر را در زیر درپوش فوقانی قرار می‌دادند. شکنجه گر به آهستگی پیچ را می‌چرخاند تا نوار پایینی و درپوش به یکدیگر نزدیک شوند. این امر به آسانی موجب له شدن سر می‌شد. ابتدا دندان‌ها درون فک خرد می‌شد؛ سپس قربانی به آرامی و دردی وحشتناک، جان خود را از دست می‌داد. البته پیش از آن، چشم‌هایش در حدقه فشرده و له می‌شد.





## سلاخی

در یک مدل از شکنجه از نوع سلاخی، بازوهای قربانی را به یک قطب در بالای سرش می‌بستند و در همین حال پاهای او از زیر می‌بستند. سپس بدن او را کاملاً برهنه می‌کردند و شکنجه‌گر، با کمک یک چاقوی کوچک، پوست قربانی را به آرامی از بدنش کنده و جدا می‌کرد. در اغلب موارد، شکنجه‌گر پوست صورت را در ابتدا می‌گند، و به آرامی کار خود را ادامه می‌داد تا به پاهای قربانی می‌رسید. بیشتر قربانیان پیش از آنکه شکنجه‌گر حتی به کمر آنها برسد، جان خود را از دست می‌دادند.



# سپاس از ہمراہی شما

